



مرکز بررسی‌های استراتژیک  
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



## موانع و مسیرهای اصلاح نظام حقوقی کودک در ایران و ارائه سیاست‌های پیشنهادی

شماره مسلسل: ۴۹۳

کد گزارش: ۶۲-۹۹

۳۱ خرداد ۱۳۹۹

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شماره مسلسل: ۴۹۳

کد گزارش: ۹۹-۶۲

عنوان گزارش: موانع و مسیرهای اصلاح نظام حقوقی کودک در ایران و ارائه سیاست‌های پیشنهادی

تهیه کننده: سارا شاه‌علی

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۳۱ خرداد ۱۳۹۹

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.

## فهرست مطالب

---

۱	بیان مسئله
۳	حقوق کودک: مسئله‌ای گفتمانی
۶	لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان
۶	۱. خلأ حقوق رفاهی - حمایتی کودکان
۸	۲. مسائل مربوط به تعیین سن کودکی
۸	۳. مسائل مربوط به کودک‌آزاری
۹	۴. ضعف زیرساختی و نهادی برای سلب حضانت از والدین بد سرپرست
۱۰	۵. کنارگذاری برخی از کودکان
۱۰	۶. تبعیض و نابرابریهای مغایر با حقوق کودک
۱۰	۷. تبعیض در مورد حقوق تولد و حفظ هویت شخصی
۱۱	۸. نفع کودک و حق اظهارنظر وی
۱۱	۹. جلوگیری از جدایی کودک از والدین
۱۲	پیشنهادات و راهکارها
۱۳	۱. ایجاد شفافیت گفتمانی در حقوق کودک
۱۳	۲. فعال کردن ظرفیت‌های فقهی برای اصلاح نظم حقوقی
۱۳	۳. تأسیس سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان
۱۴	۴. رویکرد کودک محور با کودکان معارض با قانون
۱۵	۵. ایجاد ضمانت‌های اجرایی لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان
۱۶	۶. کاهش حساسیت امنیتی و حمایت از فعالیت سمن‌ها
۱۶	نتیجه‌گیری
۱۷	منابع

## بیان مسئله

امروزه «کودکان و دوران کودکی»، به موضوع<sup>۱</sup> و مسئله‌ای<sup>۲</sup> اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. طی سه دهه گذشته، نه فقط در کشورهای غربی که در دیگر بخش‌های جهان، دوران کودکی، یکی از موضوعات اصلی دانشگاهی، رسانه‌ای، اجتماعی و سیاسی شده است (جیمز و همکاران، ۱۳۹۷). حساسیت‌های اجتماعی به‌ویژه در طبقه متوسط به کودکان، حاکی از افزایش قدرت و عاملیت دوران کودکی است. کودک در این گفتمان، یک عضو خانواده که باید رشد یافته و جامعه‌پذیر شود نیست، بلکه شخصیتی خاص و مستقل محسوب می‌شود. الیزابت ناسمن<sup>۳</sup>، این روند جهانی را «فردیت و شخصیت‌بخشی»<sup>۴</sup> به کودکان می‌نامد (به نقل از جیمز و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴). امروزه کودکان برای بیان نظرات، فرصت‌های بیشتری دارند و در «معاهده جهانی حقوق کودک»<sup>۵</sup>، که ایران نیز عضو آن است، از حقوق شهروندی برخوردارند. متأثر از این «گفتمان حقوق شهروندی کودک»، کودکان به‌عنوان افرادی نگریده می‌شوند که باید از «استقلال» آن‌ها حمایت کرد و وجودشان را نباید به وجود او در درون خانواده یا جامعه وابسته دانست؛ کودک نه یک بدوی و وحشی که باید جامعه‌پذیر و رام شود، بلکه یک کنشگر اجتماعی است که جامعه بزرگسال باید آن را به رسمیت بشناسد (بولر نیدربرگر، ۲۰۱۶) بازتاب این گفتمان را در قوانین انگلستان به‌ویژه در «قانون ۱۹۸۹ کودکان»<sup>۶</sup> می‌توان دید که طبق آن، سازمان‌های رفاهی نه‌تنها باید بهترین منافع و عمومی‌ترین نیازهای کودکان را در نظر داشته باشند، بلکه باید به تمایلات و آرزوهای فردی کودکان را نیز موردتوجه قرار دهند (پیشین: ۲۵-۲۶).

اما از سوی دیگر، برخلاف روند فردیت بخشی و حقوق شهروندی کودکان، نهادهای جامعه مدرن بیش از هر زمانی سعی در «محافظت و حراست» از کودکان در برابر «خطرات» دارند. به همین دلیل نیز دوران کودکی، دوره‌ای است که بیشترین شدیدترین کنترل‌ها در قبال آن اعمال می‌شود. سلامت، آسایش، تربیت و پرورش کودکان، دلایلی است که والدین، دولت و جامعه مدنی را مجاز می‌کند تا کودک را از تهدیدات اخلاقی، جنسی و فیزیکی حفاظت کنند و رشد عادی و سالم او را تضمین و ظرفیت‌های ویژه او از قبیل هوش، آموزش‌پذیری و پایداری عاطفی را به‌طور فعال تقویت کنند.

بر اساس دو روند فردیت بخشی از یک‌سو و محافظت و نظارت از سوی دیگر، والدین، دولت و جامعه مدنی باید راهی برای تعادل در فردیت بخشی و محافظت بیابند. رویکرد گزارش حاضر این است که روندهای جاری «استقلال» کودکان و «نظارت و مراقبت» از کودکان، متناقض یکدیگر نیستند، اگر نظام حقوقی و قانونی مناسبی طراحی شده باشد که حقوق مدنی، سیاسی،

- 1.Topic
- 2.Problem
- 3.Elisabet Nasman
- 4.Individualization of Children
- 5.Convention on the Rights of the Child (CRC)
- 6.Children Act 1989



اقتصادی- رفاهی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را تضمین کند. درحالی که در بسیاری از کشورها، طراحی نظام حقوقی جهت فردیت بخشی و محافظت از کودکان، پیشرفت‌های چشمگیری داشته است (به‌عنوان مثال در کانادا که به آن کشور کودکان می‌گویند)، اما وضعیت نظام حقوقی و قانونی کودکان در ایران، به سه دلیل عمده، توسعه مطلوبی پیدا نکرده است که عبارت است از: ۱- خلاءهای حقوقی و قانونی، ۲- عدم اجرای صحیح قوانین و ظرفیت‌های موجود، ۳- ضعف گفت‌وگو محور در نظام اجتماعی، حقوقی و سیاسی؛ باید گفت که دو مشکل اول، زاینده مشکل سوم است.

مشکلات کودکان در خانواده، در زمان طلاق والدین، مسائل و مشکلات نظام آموزشی و مدرسه برای کودکان (کاهش کیفیت مدارس دولتی، پولی شدن آموزش، نابرابری آموزشی، تنبیه بدنی و روانی کودک توسط برخی مدیران و معلمان)، مسائل رفاهی و سلامت کودکان، آسیب‌های رسانه‌ای برای کودکان، کودکان کار و خیابان، نابرابری‌های جنسیتی در قوانین و در جامعه، تعرضات جنسی به کودکان، خشونت علیه کودکان و کودک‌آزاری، و بسیاری مسائل و مشکلات دیگر، سبب شده است که برخی از حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان، از بحران مسائل کودکان در ایران سخن بگویند و ضروری است که موضوع حقوق اجتماعی، رفاهی، قضایی، فرهنگی و رسانه‌ای کودکان و اصلاح و توسعه نظام حقوقی کودک در ایران جدی‌تر گرفته شود.

اولین اقدام حقوقی در حمایت از کودکان و نوجوانان در ایران، قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» (مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵) با ۹ ماده بود. اما به دلیل خلاءهای این قانون، تدوین لایحه «حمایت از کودکان و نوجوانان» توسط قوه قضاییه در سال ۱۳۸۶ آغاز شد و در سال ۱۳۸۸، برای ارسال به مجلس شورای اسلامی، تقدیم دولت شد. اما این لایحه تا امروز یعنی خرداد ۱۳۹۹، از قوه قضاییه به قوه مجریه، از آنجا به مجلس، از مجلس به شورای نگهبان و از شورای نگهبان به مجلس برای «اصلاح» برخی مواد، در رفت‌وآمد بوده و باوجود تصویب کلیات آن در مجلس و شورای نگهبان، جزئیات آن هنوز مورد توافق مجلسین قرار نگرفته و تصویب نهایی نشده و به همین دلیل برای ابلاغ نهایی به دستگاه‌های اجرایی و نظارتی، به قوه مجریه ارسال نشده است.

از نظر گزارش حاضر، تعلل در تصویب و ابلاغ این طرح قضایی- حمایتی، نشان از مسئله و مشکلی «گفتمانی» در حوزه کودک است. از یک طرف، نظام حقوقی- قضایی ایران، بین حقوق کودک آن‌گونه که در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک گفته شده و ایران آن را پذیرفته است، و حقوق کودک در فقه اسلامی، بالانکلیف است و نتوانسته است سازگاری فقهی و حقوقی ایجاد کند. از طرف دیگر، همین لایحه در مورد بسیاری از حقوق اجتماعی، رفاهی و فرهنگی کودک، ماده و تبصره‌ای ندارد و بیشتر، طرحی قضایی- حمایتی است و حقوق اجتماعی، رفاهی، آموزشی و... کودکان و نوجوانان را مسکوت گذاشته است.

به همین دلیل به نظر می‌رسد که نظام حقوقی کودک در ایران به‌طور اعم، و لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان به‌طور اخص، فاقد «رویکرد گفتمانی» و کودک‌محور است و مواد و مصالح لازم برای حمایت از حقوق کودکان به‌طور منسجم در آن مطرح نشده است. اگر گفتمان شفاف وجود داشته باشد، باید تعریف کودک به لحاظ سنی، جایگاه کودک در قوانین مختلف (قانون کار، قانون مدنی، قوانین کیفری و...)، و حقوق کودک در حوزه‌های مختلف اجتماعی و رفاهی، فرهنگی، رسانه‌ای و... مشخص شده باشد.

در این گزارش، به موانع و مسیرهای اصلاح نظام حقوقی کودک در ایران پرداخته می‌شود. در تیرماه سال ۱۳۹۷، نشستی با همین عنوان با مشارکت مسئولان، کارشناسان، اساتید دانشگاه و فعالان جامعه مدنی در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد و نظرات مختلفی در مورد وضعیت حقوق کودکان در ایران اخذ گردید. همچنین با کارشناسان مختلف



حقوقی و اجتماعی در مورد نظام حقوقی کودک، مصاحبه انجام شده است. گزارش حاضر، محصول نشست تخصصی مذکور و مصاحبه‌های انجام شده است که ابتدا به مسائل لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان می‌پردازد و در ادامه، مسائل نظام حقوقی کودک در ایران شرح و بسط می‌یابد و در نهایت، برخی راهکارها برای اصلاح نظام حقوقی کودک ارائه می‌شود.

## حقوق کودک: مسئله‌ای گفتمانی

در مورد جایگاه کودکان در ساختار اجتماعی و فرهنگی در ایران، دیدگاهی انتقادی وجود دارد مبنی بر اینکه، این دوره سنی به لحاظ هویتی به رسمیت شناخته نشده است و نگاه جامعه و دولت به کودکان، صرفاً گذر از دوره کودکی به دوره بزرگسالی با اهرم‌های جامعه‌پذیری و آموزش است. به عبارت دیگر، منتقدان بر این باورند که نگاه جامعه و دولت به کودک، نگاهی مبتنی بر «شدن»، یعنی «طی مسیر» است و نه نگاهی مبتنی بر «بودن»، و داشتن هویت مستقل برای کودک و دوره کودکی؛ بر اساس همین دیدگاه، کودک، تبدیل به ابزاری برای توسعه و انتقال ارزش‌ها می‌شود و دوران کودکی و خصوصیات ویژه آن مورد توجه سیاست‌گذاران و نظام اجتماعی قرار ندارد. این دیدگاه کلی، موجب آسیب‌ها و مسائل جدی برای حیات کودکی است و از شکل‌گیری گفتمان کودک محور جلوگیری کرده است. بر این اساس، دیدگاه اصلی گزارش حاضر این است که مسئله اصلی حقوق کودک در گام اول، عدم شفافیت گفتمانی است و در گام بعدی، مربوط به نظم اداری و بروکراسی و دستگاه اداری کشور است. عدم شفافیت گفتمانی باعث می‌شود که نظم حقوقی مستقر در این حوزه، هم پرتناقض و هم مسئله مند<sup>۷</sup> باشد. گفته مظهر الوندی، رئیس اسبق قانون اصلاح و تربیت و دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، این تناقض و مسئله مندی را نشان می‌دهد:

«ما هیچ اختیاری در تدوین و تبیین و اجرای قانون نداریم. در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری علی‌رغم اینکه به‌طور غیرمستقیم پیام‌هایی به کاندیداها داده شد، اما آن‌ها یک کلمه در مورد حقوق کودک صحبت نکردند و این یعنی موضوع کودک فعلاً برای آن‌ها مهم نیست. مشکل این است که هیچ سیاستی در رابطه با کودک نداریم. البته ما این بحث را به‌صورت اجرایی از طریق نامه‌ای از وزیر دادگستری برای دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام پیگیری کردیم اما هنوز تعریف واحدی از کودک نداریم. تا جایی که ما الان اینجا با هم جلسه داریم و دقیقاً کمی آن طرف تر عده‌ای دیگر جلسه دارند و درست برخلاف نظرات ما صحبت می‌کنند و قانون تصویب می‌کنند؛ مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی که همه بافته‌های ما را پنبه می‌کند و به آن مصوبات عمل می‌شود؛ یا در جلسات کمیسیون قضایی مجلس، وقتی از لایحه حقوق کودک صحبت می‌شود، همه می‌ترسند حرف بزنند و این‌ها همه نشان‌دهنده این است که نمی‌دانیم سیاست‌گذاری چیست. یک نگاه حمایت‌گر دلسوزانه وجود دارد که مسئولان، کودک ضعیفی را در آغوش می‌گیرند اما این نگاه هیچ چارچوبی ندارد. در ابتدا، باید حقوق کودک مشخص شود و وارد سیاست‌های کلان شود. مثلاً در سیاست کلان جمهوری اسلامی باید قید شود که به اسناد بین‌المللی کاری نداریم نه اینکه در ظاهر حمایت کنیم و بپذیریم ولی در عمل اجرا نکنیم. از دی ماه سال گذشته، چهار الی پنج حکم اعدام کودک اجرا شده درحالی که از قاضی و وکیل گرفته تا مسئولین و... همه مخالف بودند. بنابراین مشکل ما، سیاست‌ها است.»



سیاست‌هایی که آقای الوندی می‌گوید وجود ندارد، به دلیل نبود گفتمانی است که سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه کودک را خلق کند و به آن‌ها انسجام بخشد. عدم شفافیت گفتمانی به‌گونه‌ای است که نظام سیاسی و حقوقی ایران، پیمان‌نامه حقوق کودک را پذیرفته است اما در عمل به آن پایبند نیست و در درون نظم حقوقی و سیاسی کشور نیز رویه‌های مشخص و یکسانی در مورد مسائل مختلف کودکان دیده نمی‌شود. از نظر یکی از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، ایران باید به پیمان حقوق کودک عمل کند و مواد این پیمان‌نامه، معارضه حقوقی در نظام حقوقی ایران ایجاد نمی‌کند:

«پیمان‌نامه حقوق کودک، دستاورد سازمان ملل نیست بلکه دستاورد جامعه بشری است. تاکنون هیچ گام درستی در رابطه با حقوق کودک برداشته نشده و نواقص سیستم آموزشی، خدمات و رفاه اجتماعی بسیار زیاد است. هنوز حتی تعریف درستی از کودک نداریم. برای داشتن فردای بهتر باید ابتدا یک تعریف یکسان و حقوق حمایتی یکسان وجود داشته باشد نه اینکه هر کس به طریق خود عمل کند... در مراجع ملی، برنامه‌های ده‌ساله نوشته شده ولی خاک می‌خورد و هیچ نظارتی روی عدم اجرای آن‌ها نیست. بر مبنای راهبردهای مشخص، برنامه تعیین شده و بر اساس برنامه‌ها فعالیت‌ها تعریف شده و سهم هر نهاد نیز مشخص شده است اما انجام نمی‌شود. هنوز جناح‌های سیاسی در رابطه با کودک، سیاست مشخصی ندارند و در مبارزات انتخاباتی نیز مسئله کودک اهمیتی ندارد. مشکل، تعدد مراجع و قانون‌گذاران نیز هست؛ مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی، که این مسئله باعث برنامه‌های فراوان ولی بی‌نتیجه شده است. تکلیف ما با مسئله قصاص کودک مشخص و حتی سن مسؤولیت کیفری هنوز مشخص نیست. لایحه حمایت از کودکان در معرض خطر به‌طور کلی وضع شده است، ولی هنوز در مورد استفاده از واژه «طفل یا کودک» تفاوت دیدگاه زیاد است. گرایش قانون‌گذار نشان می‌دهد که کودک را زیر ۱۸ سال پذیرفته است اما در عمل طور دیگری رفتار می‌شود؛ در جامعه مدنی و کنوانسیون حقوق کودک، که خود حکم قانون را دارد، کودک را زیر ۱۸ سال تعریف می‌کنند. مثلاً وقتی به‌عنوان جامعه مدنی می‌گوییم که معامله و خریدوفروش توسط کودک جرم است، به مجلس که می‌رود می‌گویند که معامله را حذف کنید چون سایر عقود را هم شامل می‌شود و فقط بگویید خریدوفروش! نگاه حل مسئله در کشور وجود ندارد در غیر این صورت یک طرح نباید ده سال در مجلس بماند.»

در آیین‌نامه‌ها و رویه‌های دادرسی کیفری نیز، عدم شفافیت گفتمانی در حوزه کودک ملاحظه می‌شود. در این رابطه یکی از فعالان مدنی حقوق کودکان می‌گوید:

«در قوانین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ تصویب شده است؛ کودکی که مرتکب جرائم منافعی عفت شود بدون دخالت دادسرا باید مستقیماً به دادگاه اختصاصی برود اما در عمل چنین نیست. برای نمونه، کودک ۱۶ ساله را به جرم سرقت به آگاهی بردند و او را به قدری کتک زدند که وادار شد به ۶۰ فقره سرقت اعتراف کند، چراکه ۶۰ پرونده باز موجود بود که متهمی برای آن وجود نداشت و چه کسی بهتر از یک کودک بی‌پناه؟ قوانین ما الهام گرفته از قوانین فرانسه است اما پس از انقلاب آن‌ها را به دو قسمت شرعی و



عرفی تقسیم کردند. در بخش شرعی، برای مثال قتل ستایش ۸ را می‌گوییم: امیرحسین، احکام اعدام و قصاص را توأمان گرفته بود. ما قصد حمایت از او را داشتیم تا اعدام نشود زیرا او در یک محیط جرم خیز بزرگ شده بود؛ اما به دلیل نداشتن قوانین و امکانات کافی برای پرورش و بازپروری کودک پس از ارتکاب جرم، نتوانستیم او را از اعدام نجات دهیم. در بحث رشد عقلی، ماده ۹۱ را داریم ولی در جرائم حدی و قصاص مثل جریان امیرحسین به آن عمل نمی‌کنیم. در گذشته، قانون ازدواج برای دختران ۱۸ سال و برای پسران ۲۰ سال بود اما چون این قانون برای پیش از انقلاب بود کنار گذاشته شد و امروزه کمپین «نه به ازدواج کودکان» برگزار می‌شود در حالی که این کار باید در قانون انجام شود».

البته برخی حقوقدانان هم هستند که معتقدند ظرفیت‌های نظام حقوقی موجود برای کودک بالاست اما به دلیل ضعف مکانیسم‌ها و ضمانت اجرایی، این ظرفیت‌ها بالفعل نمی‌شود:

«سیاست‌های اتخاذ شده در ایران از سال ۸۰ به بعد تلاش داشته است که مقررات حمایت از حقوق کودک را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کند. در سال ۹۲، وضعیتی را برای کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست مشخص کردند. به طور کلی وضعیت فعلی قوانین ایران در رابطه با حقوق کودک امیدوارکننده است؛ اما مسئله اینجاست که آیا ما از داشته‌ها مان استفاده می‌کنیم؟ در سال ۸۱، قانون صراحتاً بیان کرده است که کودکی که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده مشمول قانون است و به صراحت مبحث کودک‌آزاری را مطرح کرده و آن را جرم عمومی دانسته است، اما در حوزه اجرا ضعیف هستیم. یعنی در اجرا، عقب‌تر از قوانین موجود هستیم. بسیاری از متصدیان دولتی، حمایت‌های قوی و کارآمدی برای حمایت از کودکان دارند اما یا ناشناخته باقی‌مانده و یا موازی باهم پیش می‌روند. لذا راهکار این است که یک مرجع حمایتی و نظارتی واحد در هر استان وجود داشته باشد که نقش تسهیل‌گر را به عهده بگیرد.»

به نظر می‌رسد که انسجام گفتمانی و ایجاد یک سیاست جامع، یکی از ضرورت‌های اصلی امروز جمعیت کودکان در ایران است. یکی از فعالان مدنی در حوزه کودک می‌گوید:

«در وضعیت کنونی مسئله ما، نه رفاه بلکه بقای کودک است و در اصل روی زنده بودن کودکان می‌جنگیم نه چگونه بودنشان؛ نهاد مدنی ما بیش از ۳ هزار کودک تحت پوشش دارد که ۱۱۷۵ نفر از این کودکان با آزارهای حاد مواجه بوده‌اند؛ ۶۵۰ نفر از آن‌ها مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. این آمار نشان می‌دهد که ما نیازمند یک انقلاب هستیم. در قانون اساسی فقط یک‌بار از واژه کودک استفاده شده و آن هم در اصل ۲۱ به‌عنوان کودک بی‌سرپرست آمده است. انواع بزه بر روی کودکان را شاهدیم؛ بسیاری مسائل از جمله کودکان محروم از تحصیل، کودک مبتلا به اعتیاد، کودک معارض قانون، کودک بدون اوراق هویت، ازدواج کودک، کودک معلول، کودک کار و... نشان از پیچیدگی و حاد بودن وضعیت کودکان در ایران است اما اقدامات به‌شدت نازل است و تعلل در لایحه حمایت از حقوق کودک نشان می‌دهد که اولویت سیاسی و سیاستی برای این موضوع وجود ندارد.»

۸- ستایش، کودک شش‌ساله افغان‌تبار ورامینی بود که در ۲۲ فروردین ۱۳۹۵، از سوی پسر ۱۷ ساله همسایه (امیرحسین) ربوده شد و به قتل رسید و پیکرش با اسید سوزانده شد. قتل این دختر بچه به دست یک شهروند ایرانی، بازتابی گسترده در شبکه‌های اجتماعی و در میان کاربران ایرانی و افغانستانی داشت.





پیشنهاد این است که بر اساس چگونگی و نوع بزه بر روی کودک، شاخص‌هایی تعریف شود و دولت هر سال شاخص‌ها را اندازه‌گیری کند و به مجلس و مردم گزارش دهد.»

به نظر بعضی جامعه‌شناسان، وجود تنبیه بدنی در مدارس نیز به دلیل عدم وجود چهارچوب قانونی و حقوقی روشن است که اگر فردی در مدرسه، دست به چنین کاری بزند، دانش‌آموز، خانواده و مدرسه بتوانند با آن برخورد کنند و امکان شکایت از آن را داشته باشند. نبود چارچوب حقوقی جامع و روشن، به دلیل ضعف گفتمان منسجم و کودک محور در جامعه است تا نظم نهادی بر اساس آن شکل بگیرد. به طور کلی، مواردی که در مورد خلأ قانونی و عدم اجرای صحیح و یکپارچه قوانین موجود در حوزه کودک گفته شد، نشان از عدم شفافیت و انسجام گفتمانی در سطح ملی است. عدم شفافیت و انسجام گفتمانی در حقوق و جایگاه کودک در جامعه، باعث شده است که علی‌رغم پذیرش کنوانسیون حقوق کودک، مسائل کودکان در ایران بسیار زیاد باشد و در نظم حقوقی نیز خود را نشان دهد و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز کاستی‌های زیادی در زمینه حقوق کودک دارد. واضح است که این لایحه در صورت تصویب و ابلاغ نهایی، یکی از اقدامات اساسی و مهم و پیشرو در نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه حقوق کودکان و نوجوانان است اما باید دید که چه مسائلی در آن در نظر گرفته نشده‌اند که ممکن است حقوق کودکان را تأمین نکند.

## لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

### ۱. خلأ حقوق رفاهی - حمایتی کودکان

بر اساس ماده ۲۶ پیمان نامه حقوق کودک، هر کودکی حق دارد از تأمین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود و ماده ۲۷ آن تأکید می‌کند که کودکان باید از سطح زندگی که تأمین‌کننده رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی آن‌ها است، برخوردار شوند. در ایران، وضعیت رفاهی کودکان خانواده‌های فقیر، نگران‌کننده است و لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، بیشتر حمایت قضایی از کودک است و از حقوق رفاهی، اجتماعی، درمانی و بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و ... که جزء الزامات دوره کودکی است سخنی به میان نیامده است. به زبان دیگر، «وظایف رفاهی - حمایتی دولت در قبال کودکان» را مسکوت گذاشته است. بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش رایگان تا دوره متوسطه از حقوق کودکان و نوجوانان است اما هم‌اکنون ما شاهد پولی شدن و نابرابری آموزشی در ایران هستیم. علاوه بر آموزش، اگر خانواده، تمکن مالی برای پیگیری درمانی کودک را نداشته باشند، جان کودکان خانواده‌های فقیر در خطر است و در این زمینه هیچ ضمانت دولتی برای حمایت از حقوق سلامت کودکان وجود ندارد. با پولی شدن درمان و بهداشت و بیکاری و فقر در خانواده‌های طبقات فرودست، سلامت بسیاری از کودکان به دلیل عدم مراجعه به پزشک به دلیل فقر، در خطر است. علاوه بر این، حتی برای خانواده‌های طبقات متوسط نیز مسائل زیادی در ارتباط با کودکان وجود دارد. نمونه آن، کمبود مهدکودک‌های مناسب با بودجه معقول است و اساساً مهدکودک در ایران، هنوز امری ضروری و نیازی اساسی تشخیص داده نشده است. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با وجود ۴۹ ماده، از این حقوق اولیه و اساسی کودکان هیچ ماده و تبصره‌ای ندارد. حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون سازمان بهزیستی در مورد نبود سیاست رفاهی برای کودکان می‌گوید:



«ما باید دبیرخانه شورای رفاه ایجاد کنیم. در برنامه ششم پیشنهاد دادیم یک درصد از تولید ناخالص داخلی را به کودکان زیر ۷ سال اختصاص دهند، این در حالی است که در وضعیت حاضر تنها سه‌دهم درصد از تولید ناخالص داخلی برای کودکان اختصاص یافته است. هیچ برنامه استراتژیکی برای کودکان نداریم و در گزارش‌های اختصاصی ما هیچ جایگاهی برای کودک وجود ندارد.»

می‌دانیم که در بسیاری از کشورها، حقوق رفاهی ویژه‌ای برای کودکان در نظر گرفته می‌شود: در بریتانیا، برای کودکان (یعنی کسی که کمتر از شانزده سال دارد)، آموزش رایگان و اجباری است و حق استفاده رایگان از خدمات بهداشتی، پزشکی و حتی بیمارستانی را دارد. برای گذران اوقات فراغت، علاوه بر مدرسه، در هر محله، مراکز آموزشی متنوع و متفرقه از سوی شهرداری ایجاد شده است. درون هر محله، کتابخانه، فضای ورزشی، محل پیاده‌روی و فضای سبز وجود دارد. سازمان‌های محلی شهرداری موظف به ارائه خدمات مختلف به کودکان هستند. در آلمان افراد کمتر از هجده سال کودک به شمار می‌آیند. ایجاد و ارائه خدماتی مانند مهدکودک، فضای بازی کودکان، پارک و تأسیسات تفریحی دیگر، بر عهده شهرداری‌ها است. هزینه ارائه این خدمات به صورت عوارض از شهروندان دریافت می‌شود. در کانادا، کودکان تا سن هجده‌سالگی از کمک‌های ماهانه تأمین اجتماعی بهره‌مند هستند. در هر محله، مهدکودک و کودکستان در مرکز محله ایجاد می‌شود. در بیشتر ایالت‌های این کشور، وزارتخانه و یا سازمانی به‌عنوان وزارت کودکان و خانواده‌ها وجود دارد.

دولت در ایران نیز باید برنامه‌های مشخصی برای کودکان خانواده‌های فقیر به‌ویژه در مناطق محروم در نظر بگیرد و حمایت از کودکان را صرفاً در حوزه حقوقی و قضایی نبیند. اگر برنامه‌های حمایتی - رفاهی برای کودکان فقیر در نظر گرفته نشود، دچار چرخه مسائل و مشکلات حقوقی و قضایی کودکان خواهیم بود و لایحه قضایی حقوق کودکان و نوجوانان، تنها به موارد تخلفات و امور مجرمانه در حوزه کودک می‌پردازد و پیشگیری و حمایت رفاهی و اجتماعی از کودکان به‌ویژه کودکان فقیر، مناطق محروم و کودکان در محیط‌های فقیر و جرم خیر، در نظر گرفته نشده است. اگر رویکرد نظام ج.ا.ا در مورد حقوق کودکان، گفتمانی حمایتی - رفاهی باشد، در آینده جامعه بهتر و سالم‌تر، امن‌تر و بارونق اقتصادی بیشتری خواهیم داشت. اما در حال حاضر باوجود فقر و محرومیت بخشی از جامعه، دچار چرخه مسائل و مشکلات کودکان خواهیم بود. گفتمان حمایتی - رفاهی، تأکید دارد که کودکان، «دارایی عمومی» هستند و هم آحاد جامعه از توسعه قابلیت‌های آن‌ها منتفع می‌شوند (فولبر، ۱۳۸۸). دولت به‌عنوان نماینده اراده عمومی، باید مسئولیت شناختن، پاداش دادن و کمک کردن به تلاش‌های والدین را تقبل کند و این سیاست اجتماعی، حداقل در مورد خانواده‌ها و والدین فقیر، باید اتخاذ شود. کودکان خانواده‌های فقیر و تهی‌دست، کودکان در خانواده‌های بی‌سرپرست یا سرپرست بی‌کار، کودکان در شهرها و روستاهای محروم و دورافتاده در وضعیت نامناسب تغذیه، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت، تمهید مشخص دولتی ندارند. آموزش پیش از دبستان، مراقبت از کودکان در مهدکودک‌ها و تربیت خانوادگی، قابلیت‌های کودکان را شکل می‌دهد. اما کودکان بسیاری که در فقر زندگی می‌کنند و بزرگ می‌شوند، مهارت‌های ذهنی و عاطفی آن‌ها کندتر رشد می‌کند. بسیاری از آن‌ها مشکلات جدی سلامتی (جسمی و روانی) دارند. مشکلات تغذیه و محیط مناسب رشد کودکی نیز دارند. بسیاری از آن‌ها در محیط‌های خشن یا تنش‌زایی زندگی می‌کنند که اثرات بسیار مخرب بر جسم و روان کودکان دارد. برای همه این مسائل، اگر گفتمان کودک به‌مثابه دارایی عمومی وجود داشته باشد، باید سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص دولتی به وجود بیاید.



## ۲. مسائل مربوط به تعیین سن کودکی

از نظر برخی فعالان مدنی و کارشناسان حقوقی، لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوان با وجود پیشرفت‌های خوب، اما اصلاحات جدی گفتمانی و اجتماعی در حوزه حقوق کودک را در بر ندارد. به عنوان نمونه، اگرچه در ماده ۲، سن ۱۸ سال برای کودک در نظر گرفته شده است، اما در مواردی هنوز مشخص نیست که سن دقیق کودک، چگونه تعریف و اعمال می‌شود. مثلاً تعیین مسئولیت کیفری و مدنی و همچنین سن ازدواج پذیرفته نشده است. در جمله‌بندی ماده ۲ نیز این موضوع مشاهده می‌شود: «تمام افرادی که به سن ۱۸ سال تمام ششمی نرسیده‌اند، مشمول این قانون می‌باشند». بنابراین به طور صریح، سن کودکی، تعریف نشده است. در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، انسانی کودک است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است، مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد. با وجود الحاق ایران به این پیمان نامه، سن بلوغ در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران متفاوت است. همچنین، حداقل سن قانونی در حقوق کیفری و مدنی مسئله مند است چنانکه برخی معتقدند «سن مسئولیت کیفری و مدنی» در قوانین ایران پایین است. در قوانین ایران مشخص نیست که کودک چه محدوده سنی را شامل می‌شود و رویه یکسانی در قوانین و مقررات مشاهده نمی‌شود. به نظر برخی منتقدان، در نظام حقوقی ایران، سن مسئولیت و تکلیف کیفری کودک نه تنها ناروشن و مبهم بلکه به لحاظ جنسیتی نیز نابرابر است. هم‌اکنون ایران جزء کشورهایی است که کمترین سن مسئولیت کیفری کودکان را دارد. تغییرات و اصلاحات حقوقی در مواردی چون «حداقل سن ازدواج»، «حداقل سن مسئولیت کیفری و مدنی» و تعیین تکلیف در مواردی چون «سن مشخص کودکی در قانون» و «تعیین تکلیف در مورد مفاهیم مربوط به حمایت بزرگسالان از کودک»، از جمله اصلاحات ضروری حقوقی در حوزه کودک از نظر کارشناسان است. همچنین تفاوت مفاهیم ولایت، حضانت، قیمومیت در حقوق ایران و تعیین فرد یا افراد مختلف به منظور اتخاذ تصمیم در مسائل راجع به کودکان، تأمین حقوق کودک را با چالش مواجه کرده است.

## ۳. مسائل مربوط به کودک‌آزاری

در موضوع ماده ۱۶ لایحه آمده است: «هر کس از وقوع جرم علیه کودک و نوجوان مطلع شود و با وجود آنکه خطری متوجه او یا دیگران نشود، مراتب را به مراجع ذیصلاح اعلام نکند، به پرداخت جزای نقدی از ۵ تا ۱۵ میلیون ریال محکوم می‌شود». این ماده یک تبصره نیز دارد که مشمول افرادی می‌شود که در این زمینه وظیفه قانونی دارند و سطح مجازات افزوده شده است. هدف این لایحه، پیشگیری از «کودک‌آزاری» (آزار جسمی، جنسی، روانی) با نظارت عمومی است اما قید «اگر خطری متوجه او یا دیگران نشود»، از اثر اجتماعی این ماده کم می‌کند. از نظر حقوقی این قید منطقی است، زیرا افراد را نمی‌توان در شرایطی که خطری آن‌ها را تهدید کند ملزم به مداخله در جرم و یا اعلام آن کرد، اما به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، این امکان وجود دارد که جلوی مداخله افراد گرفته شود، زیرا از لحاظ فرهنگی این مشکل وجود دارد که زمانی که والدین فرزند خود را تنبیه بدنی می‌کنند، افراد مداخله نکنند اما الزام قانونی به اعلام جرم در هر صورت، می‌توانست زمینه‌ای باشد تا در مقابل این گونه کودک‌آزاری سکوت نشود و نظارت عموم بر کودک‌آزاری جنبه پیشگیرانه پیدا کند. بنابراین این قید، دامنه رعایت تکلیف را گسترده می‌کند، چراکه قید «اگر خطری متوجه او یا دیگران»، تفسیر بردار است.



#### ۴. ضعف زیرساختی و نهادی برای سلب حضانت از والدین بد سرپرست

در مورد سلب حضانت از والدین بد سرپرست، برخی معتقدند که در وضعیت موجود و به دلیل ضعف نهادهای دولتی و مدنی در حفظ و نگهداری و حراست از حقوق کودک، هنوز هم خانواده بهترین محل حضور کودک است و دولت نباید از والدین سلب حضانت بکند. به همین دلیل نیز یکی از کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس، نظر به رد کلیات لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان داده بود با این استدلال که در هر صورت (و با وجود مسائلی که سو رفتار و خشونت خانگی و ... تعبیر شده باشد)، هنوز هم خانواده، بهتر از نهادهای دیگر برای کودک است. اما بهتر است که گفته شود، این قضیه صحیح نیست که خانواده «در هر صورتی»، محیطی بهتر برای کودک است، بلکه در موارد متعددی، حداقل به صورت موقت، کودک باید در محیطی امن و با آسایش و رفاه نگهداری شود و دولت باید این محیط را فراهم کند. مجید بیخيله (مدیرخانه کودک شوش) می‌گوید:

«ما بارها در مورد چگونگی برخورد با این وضعیت بحث کرده‌ایم. بچه از خانه بیرون بیاید، آیا باید به بهزیستی برود که بیشتر از سه چهار روز آنجا دوام نیاورد و فرار کند؟ آیا ما باید حضانت بچه را بگیریم؟ آیا باید از پدر خانواده شکایت کنیم و او را به زندان بیندازیم؟ هر کاری بکنیم، نتیجه ندارد. ما ترجیح می‌دهیم بچه کتک بخورد، اما از پدر شکایت نکنیم. در جمع‌بندی نهایی من می‌بینم اگر پدر را از خانواده بگیریم، لطمه بیشتری به خانواده می‌خورد. اگر پدر را بگیریم، بچه در این محله‌ها، جای دیگری کتک می‌خورد. آیا سرپناه جدیدی به او داده می‌شود؟ آیا ارگانی از او حمایت می‌کند؟ نه! این بحث پیچیده‌ای است که همه ما در آن مانده‌ایم. موردی بوده که پدر دست بچه شش‌ساله‌اش را داغ کرده و به شدت سوزانده، اما ما نمی‌دانیم باید شکایت کنیم یا سعی کنیم کج‌دار و مریز رفتار کنیم».

واضح این که قانون‌گذار باید دستگاه‌های دولتی مربوطه مانند بهزیستی را مکلف به بهبود خدمات خود در مورد نگهداری از کودکان کند و در این زمینه بودجه لازم تخصیص یابد. در وضع کنونی، بودجه نهادهای رفاهی و حمایتی برای نگهداری از کودکان آسیب‌دیده و بزه دیده، بسیار پایین است و کارکنان آموزش‌دیده نیز کافی نیستند. علاوه بر این، وضعیت سرپرستی که به کودک خشونت ورزیده است، علاوه بر سیستم قضایی، باید در سیستم‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار بگیرد. طبق آمار سازمان بهزیستی، ۶۶ درصد کودک‌آزاری‌ها از سوی مردان یا به عبارت دیگر پدران فقیر و بی‌کار اعمال می‌شود. به گفته مجید بیخيله:

«شرایط پدری که بچه را کتک می‌زند باید بررسی شود. آیا این پدر وحشی به دنیا آمده یا یک سلسله اتفاق باعث شده این همه خشونت داشته باشد؟ آیا این پدر در محیط مساعدی است و احترام می‌بیند؟ اصلاً شغل دارد؟ آیا حقوق خودش در جامعه رعایت شده که به حقوق بچه‌اش توجه داشته باشد؟ این‌ها بحث‌های ریشه‌ای است... کودک‌آزاری با بیکاری مرتبط است و مسائل اقتصادی تأثیرگذارند. آنجا که به پدر توهین می‌شود، آنجا که در تداوم بیکاری قرار می‌گیرد و بسیاری مسائل روحی دارد، کودک‌آزاری رخ می‌دهد. اکثر حقوق‌دان‌های ما که خیلی به موضوع کودک‌آزاری علاقه‌مند هستند، بسیاری اوقات پدر را دشمن می‌شمارند و می‌گویند پدر ظلم کرده است. به نظر من اگر نگاه جامعه‌شناسانه به موضوع داشته باشیم، بدون این که حق بدهیم که پدر بچه را کتک بزند و تنبیه کند، او را محکوم نمی‌کنیم. خیلی چیزهای دیگر باید قبل از پدر محکوم شوند».



## ۵. کنارگذاری برخی از کودکان

به دلیل عدم شفافیت گفتمانی، اقدامات رسمی در مورد کودکان، از جمله کودکان مهاجر افغانستانی، کاملاً سلیقه‌ای و متغیر بوده است. به‌عنوان مثال در مورد مسئله آموزش عمومی و یا شناسنامه‌دار شدن «کودکان بی شناسنامه» مهاجران و افغانستانی در ایران، لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، ساکت بوده است. بسیاری از کودکان در ایران، علاوه بر فقر خانوادگی و مسائل رفاهی و درمانی و آموزشی، اساساً به لحاظ هویتی نیز شناسایی نشده‌اند و همین مسئله، مشکلات آن‌ها را مضاعف کرده است. در حالی بسیاری از کودکان افغانستانی و پاکستانی در ایران مشکل هویتی دارند، کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی نیز همین مسئله را دارا هستند. قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی هنوز ابلاغ نشده است و می‌تواند نشانگر فشار برخی گروه‌ها بر دولت باشد.

## ۶. تبعیض و نابرابری‌های مغایر با حقوق کودک

بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌های عضو، برای هر کودکی که در قلمرو آن‌هاست، بدون تبعیض و به‌دوراز هرگونه وابستگی به نژاد، رنگ پوست، منشأ اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در پیمان‌نامه را تضمین می‌کنند. دولت‌ها باید تمام اقدامات لازم را انجام دهند تا این اطمینان کامل را به وجود آورند که «هر کودکی» از همه اشکال تبعیض در امان است. اما به نظر برخی کارشناسان تبعیض‌هایی وجود دارد که باید برطرف شود و این در لایحه حمایت از حقوق کودک و نوجوان قید شود: برخی از تبعیض‌ها عبارت است از: تبعیض جنسیتی (مثلاً در حق ارث و دیات)، وضعیت حقوقی کودکان حاصل از زنا طبق مواد ۱۱۶۷ و ۱۱۶۸ قانون مدنی، مبنی بر عدم الحاق کودک به زانی و محرومیت از ارث؛ نامشخص بودن حقوق مربوط به کودکان اقلیت‌های غیررسمی و...؛ به‌طور کلی، نابرابری‌های جنسیتی، مذهبی، و ... در مورد کودکان در نظم حقوقی موجود، نیازمند اصلاح است و امکانات فقهی، حقوقی و اجتماعی تغییرات حقوقی جهت برقراری عدالت بین کودکان ضروری است.

## ۷. تبعیض در مورد حقوق تولد و حفظ هویت شخصی

در حال حاضر، اعطای تابعیت کودکان حاصل از مادران ایرانی و پدران خارجی در هاله‌ای از ابهام است و باوجود طرح آن در مجلس، اما هنوز اقدام مشخصی انجام نشده است. طبق ماده هفت کنوانسیون حقوق کودک، هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین، داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان، باید والدین خود را شناخته و از سوی آن‌ها نگهداری شود. دولت‌های عضو کنوانسیون، حقوق عنوان‌شده در این پیمان‌نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین‌المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می‌نمایند. اما این قضیه در مورد فرزندان ناشی از ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی و وضعیت بلا تکلیف فرزندان آن‌ها و ممتنع بودن امکان داشتن شناسنامه و تحصیل تابعیت مادر خویش، پیش از ۱۸ سالگی و حتی ممنوعیت از تحصیل آن‌ها در برخی از موارد و مناطق، برخلاف قانون اساسی است. طبق قوانین ملی مربوط به تابعیت در ایران، تابعیت از طریق نسب پدری انتقال می‌یابد و در صورت ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، تابعیت دولت متبوعه مادر به فرزند منتقل نخواهد شد و در صورت مراجعت مادر ایرانی به ایران - فرزند مزبور برای سفر یا اقامت در ایران، باید نسبت به اخذ ویزا و اجازه اقامت در کشور متبوعه مادر خویش اقدام



نماید. همچنین، حکومت‌های عضو کنوانسیون موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند. در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی به‌طور غیرقانونی خدشه دار شود، دولت‌ها سریعاً، درصدد ترمیم این خسارت برمی‌آیند. حضور بسیاری از کودکان بی‌سرپرست و فاقد هویت قانونی و واقعی لازم در سازمان بهزیستی و بخش‌های تابعه مغایر با مراتب مزبور است.

## ۸. نفع کودک و حق اظهارنظر وی

باوجود پیش‌بینی‌های مقرر در اصل ۲۱ قانون اساسی و در قانون جدید حمایت از خانواده، علی‌رغم عنوان حمایت مذکور در آن، قانون‌گذار نسبت به حقوق و منافع کودک، در عمل کم‌توجه بوده و ضمن ممنوع ساختن حضور کودکان در دادگاه‌ها (ماده ۴۶)، در ماده ۲۹ آن قانون نیز در تعیین تکلیف وضعیت مناسبات حقوقی و مالی زوجین در زمان طلاق، صرفاً به «مصلحت طفل و وابستگی عاطفی وی» در امر تخصیص حضانت به پدر یا مادر در شرف متارکه اشاره شده است که عمده‌تاً، بدون هرگونه مطالعه‌ای درباره نظر کودک یا جلب نظر و تمایل وی، دادگاه‌های خانواده حسب توافق زوجین (پدر یا مادر) و یا به تشخیص خویش (بدون تحصیل خواست یا انتظار و تصمیم کودک یا جلب نظر کارشناسی کمیسیون روان‌پزشکی قانونی)، مبادرت به صدور حکم طلاق نموده و بدون توجه به نظر آن‌ها تصمیم گرفته می‌شود. به زبان دیگر، کودکان طلاق و اختلافات خانوادگی، قربانی تصمیمات یک‌سویه پدر و مادر و خانواده‌های خویش و تصمیمات دادگاه‌ها در تعیین تکلیف سرنوشت آن‌ها، بدون هرگونه جلب نظر یا تمایل آن‌ها هستند.

طبق ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک، حق کودکی که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته می‌شود. کودک در تمامی امور مربوط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد. برای این منظور، به کودک امکان داده می‌شود که در دادگاه‌ها و در تمام مراحل قانونی، مستقیم یا با کمک وکیل و یا نهاد مسئول و مناسب دیگر، مطابق قوانین موجود، محاکمه شود. ماده ۴۶ قانون جدید حمایت از خانواده و ممنوعیت حضور کودکان زیر ۱۵ سال در دادگاه‌های خانواده، مگر به تجویز دادگاه، در تعارض با اصول و اهداف مقرر در این ماده است. این حق برابر ماده ۶ آن قانون برای مادر یا سرپرست کودک مقرر شده است و کودک فاقد حق مستقل در این باره منظور شده است. از این رو، ماده ۴۶ و ۲۹ قانون جدید حمایت از خانواده، در تعارض با آن قرار دارد. از دیگر رویه‌های قانونی قابل ذکر که حق اظهارنظر وی را در نظر نمی‌گیرند عبارت‌اند از: تخصیص حق حضانت تا ۷ سالگی کودک پسر یا دختر، سلب حق شهادت قبل از رسیدن به سن بلوغ، عدم تخصیص حق مستقل کودک در طرح دعوی یا شکایت به جهت فقدان اهلیت قانونی قبل از سن بلوغ و لزوم طرح و تعقیب آن از سوی پدر یا جد پدری یا تخصیص قیم اتفاقی برای وی، تخصیص ازدواج قبل از بلوغ، اجازه ولی کودک و تشخیص دادگاه و واگذاری این حق اختصاصی کودک به پدر.

## ۹. جلوگیری از جدایی کودک از والدین

بر طبق کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها موظف‌اند که زمینه‌ای فراهم کنند تا کودک برخلاف میل والدینش از آن‌ها جدا نشود، مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلاً، وقتی کودکی مورد سوءاستفاده قرار گرفته و جدای از هم زندگی کنند و تکلیف اقامت کودک باید روشن شود. دولت‌ها باید حق کودک، مبنی بر





تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آن‌ها از هم جدا شده‌اند، فراهم کنند، مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد. هرگاه جدایی نتیجه اقدام دولت باشد، مثلاً زندان، تبعید و یا مرگ یکی از والدین یا هر دو آن‌ها و یا مرگ کودک، دولت امضاکننده کنوانسیون موظف است برپایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. اما این اصل، در برخی رویه‌های قضایی حاکم بر رسیدگی‌های مربوطه به پرونده‌های طلاق و آسیب‌های اجتماعی و همچنین برخی پرونده‌های سیاسی و امنیتی در ایران، رعایت نمی‌شود.

مسئله دیگر در این مورد، این است که صدور گذرنامه برای فردی که به سن ۱۸ سالگی نرسیده، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری است و مادر از حیث حقوقی و قانونی فاقد اختیار در این باره است. همچنین، پدر می‌تواند در هر زمان و بنا به میل یا سلیقه و تصمیم شخصی خویش و بدون الزام به هرگونه توضیحی به مراجع قانونی و دولتی نسبت به ممنوع‌الخروج کردن کودک به‌مانند مادر وی در اداره گذرنامه اقدام کند. برخلاف مراتب مزبور، در صورتی که پدر و مادر کودک در کشوری غیر از ایران اقامت کنند، در صورتی که پدر به وی اجازه خروج از کشور را بدهد، می‌تواند مادر خویش را ملاقات نماید. اگرچه، ممنوعیت از ملاقات فرزند برابر قانون در ایران جرم انگاری شده است، اما این حق انحصاری پدر یا مرد، به‌ویژه در مواقعی که بین وی و همسر خویش یا مادر کودک اختلاف بوده و در شرف جدایی و متارکه هستند، مستمسکی برای تسویه حساب‌های شخصی بین آن‌ها قرار می‌گیرد و آسیب‌های احتمالی و پیش روی آن متوجه کودک یا کودکان خواهد بود. در این مورد، قوانین از نظر جنسیتی تبعیض‌آمیز است و باعث لطمات روحی و روانی به کودکان می‌شود. حق حضانت قانونی و رسمی مادر نسبت به فرزندان خود، پس از ۷ سالگی به موجب ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی منتفی می‌شود، مگر اینکه با توافق زوجین و تشخیص دادگاه باشد. در صورت ازدواج مجدد مادر، طبق ماده ۱۱۷۰ آن قانون، حضانت محدود و مختصر وی نسبت به فرزند از وی سلب می‌شود. علاوه بر این، اداره امور اموال کودک با پدر و جد پدری بوده و مادر حق یا اختیاری در این باره ندارد. حق گرفتن گذرنامه و خروج از کشور، حق اجازه ازدواج به دختر کبیر ناشزه، اعمال حقوق مربوط به ولایت کودک، برابر نظم حقوقی ایران در صلاحیت مادر قرار نگرفته است. این تبعیض جنسیتی در بسیاری موارد، آسیب‌های روحی و حتی اقتصادی و اجتماعی برای کودکان و نوجوانان در پی داشته است.

## پیشنهادها و راهکارها

انتظار می‌رود حقوق کودکان در تمامی سطوح سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد اما بیشتر تحولات مثبتی که در سال‌های اخیر در حوزه مسائل کودکان بوده است، به حوزه تقنینی و قضایی مربوط می‌شود. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، تمامی کودکان باید از حق برخورداری از بهداشت و درمان، حفاظت در برابر بیماری‌ها و داشتن مواد غذایی کافی و متعادل، حق رفتن به مدرسه؛ حق داشتن امنیت در مقابل خشونت، بدرفتاری و هرگونه آزار و سوءاستفاده؛ حق داشتن امنیت در مقابل هرگونه تبعیض بهره‌مند شوند. بنابراین ما نیاز به نظامی حقوقی رفاهی داریم که تمامی حقوق کودکان در همه عرصه‌ها را تأمین کند. پیشنهادات این گزارش مبتنی بر همه حوزه‌های حقوق کودک و نه فقط حوزه قضایی است.



## ۱. ایجاد شفافیت گفتگویی در حقوق کودک

نظام سیاسی و حقوقی ایران بهتر است تکلیف خود را در مورد حقوق کودک مشخص کند. در حال حاضر، نوعی «یک بام و دو هوا» در این مورد وجود دارد و کاستی‌های بوروکراتیک نظام قضایی کشور نیز بر این بی‌گفتگویی بار می‌شود و عدالت قضایی و اجتماعی در مورد کودکان، با مسئله و مشکل مواجه است. اگر گفتگویی محور وجود داشته باشد، حقوق کودک در کلیت آن باید پذیرفته شود و اصلاحات جدی حقوقی-قضایی، اجتماعی و رفاهی و فرهنگی در حوزه کودک انجام شود.

## ۲. فعال کردن ظرفیت‌های فقهی برای اصلاح نظم حقوقی

فقه شیعی از نظر کارشناسان، ظرفیت و گشایش فراوانی برای تطبیق‌پذیری احکام حقوقی با شرایط و مسائل روز جامعه را داراست. این ظرفیت‌پذیری، فرصتی برای نظام جمهوری اسلامی است تا مسائل حقوقی حوزه کودک را بر اساس فقه اسلامی به‌روز کند. مجلس شورای اسلامی و نهادهای سیاست‌گذار، برای رفع موانع فقهی می‌توانند از مراجع صلاحیت‌دار برای تفسیرهای به‌روز حقوقی از احکام اسلامی، مدد بجویند.

## ۳. تأسیس سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان

«مرجع ملی حقوق کودک» در وزارت دادگستری، وظیفه نظارت بر اجرای مواد کنوانسیون حقوق کودک در ایران و گزارش‌دهی به کمیته بین‌المللی حقوق کودکان را دارد. همچنین نقش هماهنگی و نظارت بر دستگاه‌های دولتی برای احقاق حقوق کودکان را دارد. اما این مرجع با وجود اینکه اختیارات زیاد در آیین‌نامه و مأموریت نظارت و اجرای پیمان‌نامه حقوق کودک در ایران را بر عهده دارد، تاکنون نتوانسته است اقدام زیربنایی در راستای حقوق کودکان انجام دهد و اقدامات آن روبنایی بوده است و در زمینه نظارت و هماهنگی نیز محکم عمل نکرده است. راهکار اول این است که ساختار این مرجع جهت تقویت آن تغییر کند. و راهکار دیگر، ایجاد تشکیلات و نهاد ملی کارآمد جهت ضمانت اجرایی حقوق کودکان است. این ضرورت هم داخلی و هم خارجی است؛ از منظر داخلی، با وجود پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک (سال ۱۳۷۲) و ارائه لایحه حمایت از حقوق کودکان به مجلس (۱۳۸۱)، و بلاتکلیفی کنونی لایحه حقوق کودکان و نوجوانان، حقوق کودکان عملی نشده است؛ دلایل عمده علاوه بر عوامل فرهنگی و اجتماعی این است که در مقررات داخلی، سازوکار مشخص و کارآمدی برای دفاع از حقوق کودکان به وجود نیامده و حمایت لازم از کودکان در مواجهه با دشواری‌های زندگی نمی‌شود. بنابراین سازوکار مشخص حقوقی برای دفاع از حقوق کودکان وجود ندارد و «سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان» می‌تواند راه‌گشا باشد. در فصل دوم لایحه حقوق کودک و نوجوان، به موضوع تشکیل «دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان» زیر نظر قوه قضائیه پرداخته است که به نظر نمی‌رسد برای نظارت بر اجرای لایحه کافی باشد و ما نیازمند یک «سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان» هستیم.





در عرصه خارجی، «کمیته بین‌المللی حقوق کودکان»<sup>۹</sup> سالانه از کشورهای عضو گزارش می‌گیرد و یکی از موارد، سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه حقوق کودک است. هم‌اکنون «مجمع ملی حقوق کودک» که دفتری در وزارت دادگستری است، رابط خارجی ایران در حوزه حقوق کودک است که البته، پاسخگوی نیاز نیست. سازمان ملی حمایت از حقوق کودک، می‌تواند در ارتباط با نهادهای متعدد جامعه مدنی، این نیاز داخلی و جهانی را برطرف کند. این سازمان می‌تواند «وضعیت ایران در پیمان‌نامه‌های<sup>۱۰</sup> بین‌المللی» و رابطه حقوقی جمهوری اسلامی ایران با این کنوانسیون‌ها را مورد بررسی مجدد قرار دهد و در عرصه جهانی به بحث و گفتگو و مذاکره بپردازد.

«کنوانسیون حقوق کودک»<sup>۱۱</sup> مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) اصلی‌ترین سند جهانی در حمایت از حقوق کودکان است که دو پروتکل نیز به آن الحاق شده است. ایران در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون ملحق شد و از میان دو پروتکل الحاقی (مصوب سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی)، در خرداد ۱۳۷۹ به «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان» ملحق شد و برای الحاق به پروتکل دوم («پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد مداخله کودکان در منازعه مسلحانه»)، لایحه الحاقی به پروتکل توسط رئیس‌جمهور در سال ۱۳۹۵ به مجلس شورای اسلامی ارائه شد اما به دلایل مختلف از دستور کار مجلس خارج شد و ایران به پروتکل دوم نپیوست. استدلال مرکز پژوهش‌های مجلس این بود که:

«با توجه به ایرادات حقوق بشری که علیه کشور پس از تصویب کنوانسیون حقوق کودک مطرح شده، رد کلیات این لایحه مورد پیشنهاد است... در مقدمه این پروتکل به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و به مسئله جرم‌انگاری صرف ثبت‌نام کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح برای شرکت فعال در جنگ‌های داخلی و بین‌المللی اشاره شده است» (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۲۴ مرداد ۱۳۹۵).

یکی از دغدغه‌های ذکرشده در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس این بود که در صورت پیوستن به این پروتکل، عضویت در سازمان بسیج نیز ممکن است برخلاف حقوق کودک در نظر گرفته شود. این است که ایران، به‌طور مشروط (شرط تحفظ) به پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) ملحق شده است، مشروط به آنکه اگر مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف ایران لازم‌الرعا نباشد و این مسئله از نظر برخی از کارشناسان حقوقی، باعث شده است که نوعی نابسامانی در تأمین و تضمین حقوق کودکان در ایران (پس از ۲۰ سال از الحاق به کنوانسیون) را شاهد باشیم.

#### ۴. رویکرد کودک محور با کودکان معارض با قانون

در رابطه با «کودکان معارض با قانون» بهتر است که گفتمان حقوقی و اجتماعی، کودک محور باشد. به لحاظ جهانی دو رویکرد در مواجهه با کودک معارض قانون وجود دارد؛ «رویکرد اراده محور» که با کودک چون بزرگ‌سال رفتار می‌کند و «رویکرد کودک محور» که تناسب جرم و مجازات و نظام دادرسی را متأثر می‌کند. در این رویکرد، ناقض قانون، ابتدا کودک در

۹. در اجرای ماده ۴۳ کنوانسیون، جهت حصول اطمینان از اجرای کنوانسیون مذکور، کمیته‌ای با عنوان «کمیته حقوق کودکان»، متشکل از ۱۰ نفر از متخصصین صلاحیت‌دار از ۵ قاره جهان در سازمان ملل متحد تشکیل شده است. کمیته مزبور به‌عنوان نهاد ناظر کمیسیون محسوب می‌گردد که وظیفه بحث و گفتگو میان کشورهای عضو در جهت ارتقاء حقوق کودک را به عهده دارد.

10. Convention

11. Convention on the Rights of the Child (CRC)



نظر گرفته می‌شود و پس‌از آن به مواردی چون متهم، مجرم یا قانون‌شکنی او رسیدگی می‌شود. در این مورد باید «سن کیفری کودک»، در نظام حقوقی، به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی مجدد قرار گیرد. هر سنی برای مسئولیت کیفری کودک در نظر گرفته شود، به معنی وارد شدن او به نظام قضایی و حقوقی بزرگسالان نیست.

قوانین بین‌المللی، به مواردی چون تعیین مجازات‌های جایگزین حبس و زندان، حذف کامل زندان بلندمدت و ابد و ممنوعیت زندانی شدن کودکان در کنار بزرگسالان اشاره دارند و شکنجه، تنبیه بدنی و بازداشت انفرادی، با صراحت در قوانین مرتبط با «کودکان معارض قانون» منع شده است. «دسترسی بی‌قید و شرط کودک به خانواده و وکیل از لحظه دستگیری»، از موارد دیگر حقوق کودک معارض با قانون است. گرچه داشتن وکیل از لحظه دستگیری، حق هر متهمی است اما دسترسی به وکیل و خانواده در مورد کودکان جزء اصول اصلی نظام قضایی حامی کودک تلقی می‌شود. بخشی از ارتباط کودک با خانواده و وکیل، به حق کودک برای «شنیده شدن» باز می‌گردد. همچنین، بر طبق پیمان‌نامه حقوق کودک، حقوق اولیه و اساسی کودک (امنیت، سلامت، آموزش)، در هیچ شرایطی از جمله قرار گرفتن کودک در برابر قانون، نباید نقض شود و هر مجازاتی برای او باید به شکلی در نظر گرفته شود که این حقوق اساسی محفوظ بماند. همچنین، ممنوعیت کامل اعدام برای کودکان، جزو تمایزات نظام قضایی کودک با بزرگسالان است.

## ۵. ایجاد ضمانت‌های اجرایی لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان

حقوق کودک در ایران و در اسلام مورد توجه قرار گرفته است اما اختلاف نظر در مباحث نظری وجود دارد. جایگاه قانون و دولت این است که به مباحث نظری خاتمه دهد و قاعده‌سازی کند. به‌عنوان نمونه، بسیاری از حقوق‌دادان معتقدند که مرز ۱۸ سال برای سن کودک باید قاعده‌سازی شود. همچنین تضمین و ضمانت اجرایی لازم برای نقض و اجرای قوانین حمایت از کودک وجود ندارد و اگر لایحه حمایت از حقوق کودکان حتی در وضع موجود تصویب شود نیازمند ایجاد ضمانت‌های اجرایی این لایحه که به قانون تبدیل می‌شود، خواهیم بود. مطهره ناظری (عضو انجمن حمایت از حقوق کودک) در مورد عدم ضمانت اجرایی می‌گوید:

«لوایحی که دولت به مجلس پیشنهاد می‌دهد بسیار خوب است اما از یک جایی به بعد رها می‌شوند و پیگیری نمی‌شوند که در مجلس به کجا رسیده‌اند؛ حتی زمانی که به قانون تبدیل می‌شوند در بحث اجرا ناامیدی زیادی وجود دارد. چه در مورد قانون کار که بازرسان عملاً نظارتی روی کارگاه‌ها ندارند؛ چه در مورد توسعه رفاه و عدالت اجتماعی و چه در مورد مصوباتی که هیئت‌وزیران تصویب می‌کند، نظارتی وجود ندارد؛ تا جایی که «شورای اجتماعی کشور» یک نهاد موازی ایجاد می‌کند تا مسائل حل شود اما در عمل نهادهایی وارد میدان می‌شوند که هیچ تخصصی در زمینه این موضوع ندارند. لذا بحث عمده ما با دولت عدم اجرای همین طرح‌ها و قوانین موجود نیز هست... «مرجع ملی حقوق کودک» در وزارت دادگستری نیز یک شان نظارتی بر اجرای حقوق کودک دارد ولی این نظارت رخ نمی‌دهد و این مرجع روز به روز ضعیف‌تر می‌شود و حتی به مواردی که به آن‌ها در جهت نقض قانون گوشزد می‌شود هم توجه نمی‌کنند. راهکار این است که ساختار این مرجع باید تغییر کند تا موارد نقض حقوق کودک کمتر شود.»



## ۶. کاهش حساسیت امنیتی و حمایت از فعالیت سمن‌ها

طی چند سال گذشته، امکان فعالیت نهادهای مدنی و غیردولتی (سمن‌ها) در حوزه کودکان سخت‌تر شده است. بسیاری از فعالین مدنی در حوزه کودک معتقدند که فعالیت آن‌ها در حوزه حقوق کودکان، تعبیر سیاسی و امنیتی می‌شود درحالی‌که جامعه و دولت باید نسبت به حقوق کودکان و مسائل و آسیب‌های جدی اجتماعی و روانی و فرهنگی کودکان حساس و مطلع باشد. کار تشکل‌های مدافع حقوق کودکان، شناسایی مشکل و روشننگری است. به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی کودک از جمله در لایحه حقوق کودکان و نوجوانان، جایی برای حمایت حقوقی و قانونی از سمن‌ها نیز باید در نظر گرفته شود.

### نتیجه‌گیری

از منظر برساخت‌گرایی، حقوق و نظام حقوقی در هر جامعه، مجموعه‌ای از هنجارها، نهادها، قوانین و مقررات و رویه‌ها (در ساحت‌های سیاسی، اقتصادی، قضایی، اجتماعی، فرهنگی و ..) است که در فرایندی اجتماعی-سیاسی برای تنظیم، سامان‌بخشی و نظم‌دهی به مناسبات انسانی در جامعه، برساخت<sup>۱۲</sup> شده است.

لان، ال فولر (۱۹۶۸) می‌گوید: «هنگامی که از حقوق و جامعه، به صورت جدا از هم سخن می‌گوییم، ممکن است فراموش کنیم که حقوق، خود بخشی از جامعه است» (دفلم، ۱۳۹۸: ۹). معنی دیگر این سخن این است که با تغییر برخی از نهادهای جامعه، مثلاً تغییرات فرهنگی، نهاد و نظم حقوقی نیز باید تغییر کند یا اینکه به ناچار تغییر می‌کند. در جامعه‌شناسی حقوق، بر نقش تغییر و تحولات فرهنگی در ضرورت ایجاد تغییرات قانونی و حقوقی (نظم حقوقی<sup>۱۳</sup>) تأکید شده است (پیشین). زمانی که متأثر از شرایط تغییر یافته اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تغییر می‌کنند، «قانون» به‌عنوان مهم‌ترین نهاد و نماد دولت (اراده عمومی) در جامعه، باید متناسب با هنجارهای عمومی و شرایط و نیازهای روز جامعه اصلاح شود که در غیر این صورت، شاهد «تأخر قانون نسبت به فرهنگ و جامعه» خواهیم بود و این بی‌تعادلی سیستمی، مسائل ساختاری برای نظام سیاسی و دولت، در نتیجه نارضایتی عمومی از قوانین و نظام حقوقی، ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل نیز پی‌یر بوردیو معتقد است که دولتی سرمایه‌نمادین (مشروعیت) در جامعه خواهد داشت که قوانین آن بر اساس هنجارهای عمومی حال حاضر جامعه باشد (بوردیو، ۱۳۹۷). تأثیر رخدادهای اجتماعی بر جنبه‌های محتوایی و صوری حقوق در اروپا از دهه ۱۹۶۰ به بعد زیاد بوده است. جنبش «حقوق و جامعه»<sup>۱۴</sup> و رشد مطالعات اجتماعی-حقوقی<sup>۱۵</sup> در دهه‌های اخیر، دستاوردهای علمی و نهادی و تأثیر محتوایی و صوری زیادی بر نظام‌های حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی داشته است (دفلم، ۱۳۹۸: ۱۰) که یکی از این تأثیرات، ایجاد کنوانسیون‌های حقوقی بین‌المللی بوده که «کنوانسیون حقوق کودک» (۱۹۸۹) و دو پروتکل الحاقی به آن (۲۰۰۰)، از مصادیق آن است. از منظر این گزارش، دیدگاه تحولی به نظام حقوقی کودک در ایران، باید مبتنی رویکردی به‌روز و تأمین حقوق کودکان بر اساس ارزش‌های جامعه امروزی باشد.

در حال حاضر حقوق کودکان در ایران، هم به دلیل خلاءهای قانونی و هم به دلیل عدم اجرای صحیح قوانین موجود، و به هم به دلیل نبود گفتمان کودک محوری که سیاست‌ها و اقدامات دولتی و مدنی را مشخص کند، وضعیت مطلوبی ندارد. مسائل

12. Construct

13. Legal Order

14. Law & Society

15. Sociological Studies



و مشکلات متعدد در حوزه کودکان و نوجوانان باعث شده است که برخی از حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان، از بحران مسائل کودکان در ایران سخن بگویند و ضروری است که موضوع حقوق اجتماعی، رفاهی، قضایی، فرهنگی و رسانه‌ای کودکان و اصلاح و توسعه نظام حقوقی کودک در ایران جدی‌تر گرفته شود. از نظر گزارش حاضر، تعلل در تصویب و ابلاغ این طرح قضایی - حمایتی، نشان از مسئله و مشکلی «گفتمانی» در حوزه کودک است. از یک طرف، نظام قضایی و سیاسی ایران، بین حقوق کودک آن گونه که در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک گفته شده و ایران آن را پذیرفته است، و حقوق کودک در فقه اسلامی، بلا تکلیف است و نتوانسته است سازگاری فقهی و حقوقی ایجاد کند. از طرف دیگر، همین لایحه در مورد بسیاری از حقوق اجتماعی، رفاهی و فرهنگی کودک، ماده و تبصره‌ای ندارد و بیشتر، طرحی قضایی - حمایتی است و حقوق اجتماعی، رفاهی، آموزشی و... کودکان و نوجوانان را مسکوت گذاشته است.

## منابع

- جیمز، آلیسون و همکاران (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی دوران کودکی: نظریه‌پردازی دربارهٔ دوران کودکی. ترجمه علیرضا ابراهیم‌آبادای و علیرضا کرمانی. تهران: نشر ثالث
- دفلم، متیو (۱۳۹۸) جامعه‌شناسی حقوق. ترجمه سینا باستانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- بوردیو، پیر (۱۳۹۷) درباره دولت. ترجمه سروش قرائی. تهران: نشر مولی
- بولرنیدربرگر، دوریس (۲۰۱۶) جامعه‌شناسی کودکی: تعریف وضعیت معاصر و تأملاتی اطمینان‌بخش. در مجموعه مقالات «تک‌نگاری در جامعه‌شناسی کودکی». نوشته جمعی از نویسندگان و ترجمهٔ جمعی از مترجمان. ویراستار فارسی، حسام حسین زاده، تهران: نشر آنلاین رهایی.
- زمانی درمزاری، محمدرضا (۱۳۸۱) کودک و حقوق کودک در ایران، واحد مطالعات حقوق کودک و حقوق بین‌الملل موسسه حقوقی و بین‌المللی زمانی
- زمانی درمزاری، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقد کودکان طلاق نسبت به مسئولیت خانواده و جامعه، واحد مطالعات حقوق کودک و حقوق بین‌الملل موسسه حقوقی و بین‌المللی زمانی، سایت ستاد حقوق بشر ایران
- آبروشن، هوشنگ (۱۳۸۶) کودک‌آزاری و کنوانسیون حقوق کودک، نشر آریان
- فولبر، نانس (۱۳۸۸) قلب نامرئی: علم اقتصاد و ارزش‌های خانوادگی. ترجمه حسن گلریز. تهران: نشر نی
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) مذاکرات علنی مجلس در جلسه روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۵/۳.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸) لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، مطالعات و بررسی لایحه
- کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶) گزارش یک شوری در مورد لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان.